

دکتر محمد یگانه آرانی
فرانکفورت - آلمان

ما و فلسفه

تیزدستی در انتقاد

جستجوی روش تفکر خود، اولین هدف کسی است که میخواهد متفکر بشود. آموختن محتویات افکار دیگران (معلومات) و ممارست در شیوه‌های تفکر آنان، در واقع او را از روش تفکر خود او دور میکند. این آموختن‌ها و ممارست‌ها موقعی ارزش دارد که آهسته آهسته روش تفکر او در نهان برانگیخته و پرورده شود، و روزی پوسته این آموخته‌ها و معلومات را در هم شکافد و از خود بریزد. مقایسه اختلافات افکار و تعیین مشخصات و حدود و تمایز آنان از هم، تیزدستی در انتقاد را می‌افزایند، اما کسی را بتفکر نمیکشاند.

از تشبیه حقیقت با آفتاب

میگویند، حقیقت آفتاب سوزان است که انسان تاب تحمل آنرا ندارد. دین و عقل، آفتاب حقیقت را برای ما قابل تحمل کرده است. دین، ابر بجلو آفتاب میکشد و تفکر، آفتاب را باندازه کافی از ما دور میسازد، تا انسان بتواند زیستن را با حقیقت سازگار سازد.

تفکر از همه چیز فاصله میگیرد تا آنرا بشناسد. هر مفهومی از او، تصویر دوری از واقعیت است، تا آنجا در دسترس معرفت است که موافق با حیات او باشد. وقتی که حقیقت شروع میکند ضد حیات بشود، ما از آن دست میکشیم

و رو میگردانیم . تفکر ، دوری لازم را از حقیقت ، برای امکان حیات کشف میکند ، اما همیشه در پی حدس آنست که نزدیکی بحقیقت چه تحمیلی لازم دارد و چه موجودی تاب آنرا میتواند بیاورد و گرمی حقیقت در نزدیکی اش چه اندازه است . تفکر ، معرفتی است از دور ، با آنکه به دور بودن راضی نیست و نخیلی است از نزدیکی ، با آنکه نزدیک بودن برای او میسر نیست .

شاید تشبیه حقیقت با آفتاب ، فقط در يك وجهه ، بما نشانی از حقیقت میدهد و این توجیه ما ، از جو هیست که مارا در حقیقت با شتاب می اندازد . اما در این وجه از تشبیه ، يك معنی ، روشنی پیدا میکند . دین و عقل ، هر دو برای ما حقیقت را ملایم طبع میکند و در این خصوصیت با هم مشترکند ، با آنکه هر يك از راهی دیگر بهمان نتیجه میرسد .

کسانیکه از دین بعقل میگریزند ، برای آنست که عقل در دوره ای همان نقش را بنحوه بهتری بعهدہ گرفته است . دین برای قبول حقیقت ، نور را در ابر بودنش ، می پراکند . تفکر برای قبول - حقیقت ، نور را دور می کند . تفکر از دین روشن تر است ، دین از تفکر گرمتر میباشد .

ژو. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تفکر و زیرکی

زیرکیهای ما ، مارا از تفکر باز میدارد . زیرکی قدم بقدم ما را بیشتر پای بند سودمندی میکند . تفکر قدم بقدم ، مارا از سودمندی آزاد میکند .

وجدان و تفکر

وجدان ، ارزشها و خرافات باقیمانده قرنهای هزاره هاست . وجدان ، همیشه علیه تفکر ماست ، چون تفکر زودتر و راحت تر خود را تغییر می دهد . ما در وجدان و احساسات و عواطف و اخلاق ، لایه های مختلف داریم که در سخنی با هم متفاوت اند .